

# صدای غذا خوردن یک حلزون وحشی

ماجراهای واقعی یک زن و یک شکم‌پا

الیزابت تووا بایلی

www.ketab.ir

ترجمه  
کاوه فیض‌اللهی

نقاشی‌های

علی نورپور

فرهنگ نشرنو  
با همکاری نشر آسیم  
تهران - ۱۴۰۱

## The Sound of a Wild Snail Eating: A True Story

Elisabeth Tova Bailey  
Algonquin Books, USA, 2010

صدای غذا خوردن یک حلزون وحشی

ماجراهای واقعی یک زن و یک شکم‌پا

الیزابت تووا بایلی

ترجمه کاوه فیض‌اللهی

نقاشی‌های علی نورپور



نشر نو

تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده

تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ: پنجم، ۴۲۱ (اول، ۱۳۹۹)

شمارگان: ۱۶۵۰

طراح جلد: حکمت مرادی

ناظر چاپ: بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

### فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه: بیلی، الیزابت تووا Bailey, Elisabeth Tova □ عنوان و نام پدیدآور:  
صدای غذا خوردن یک حلزون وحشی: ماجراهای واقعی یک زن و یک  
شکم‌پا/ الیزابت تووا بایلی: ترجمه کاوه فیض‌اللهی؛ نقاشی‌های علی نورپور □  
مشخصات نشر: تهران: فرهنگ نشر نو: آسیم، ۱۳۹۹ □ مشخصات ظاهری:  
۱۹۲ ص. □ شابک: ۲-۱۷۷-۴۹۰-۶۰۰-۹۷۸ □ وضعیت فهرست‌نویسی:  
فایا □ یادداشت: عنوان اصلی: *The sound of a wild snail eating*, 2010 □  
موضوع: بیلی، الیزابت تووا -- سلامتی؛ موضوع: حلزون‌های دست‌آموز --  
لطایف و حکایات؛ شکم‌پایان -- فیزیولوژی؛ شکم‌پایان -- کالبدشناسی؛  
بیماران مزمن -- سرگذشتنامه □ شناسه افزوده: فیض‌اللهی، کاوه، ۱۳۵۶  
- مترجم: نورپور، علی، ۱۳۶۷-، تصویرگر: رده‌بندی کنگره: SF۴۵۹ □  
رده‌بندی دیویی: ۵۹۴/۳۸ □ شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۸۳۷۱۱

مرکز بخش: آسیم

تلفن و دورنگار: ۵-۸۸۷۴۰۹۹۲

فروشگاه اینترنتی: [www.nashrenow.com](http://www.nashrenow.com)

قیمت: ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال

## فهرست مطالب

۱۱	یادداشت مترجم	
۱۹	پیش‌گفتار	
	بخش نخست: ماجراهای گلدان بنفشه / ۲۳	
۲۵	بنفشه‌های صحرایی	۱
۳۰	کشف	۲
۳۷	کاوش	۳
	بخش دوم: سرزمین سبز / ۴۳	
۴۵	کف جنگل	۴
۵۱	زندگی در خردجهان	۵
۵۶	زمان و زمین	۶
	بخش سوم: همنشینی / ۶۳	
۶۵	هزاردندان	۷
۷۰	شاخک‌های تلسکوپی	۸
۷۷	ماریبیج‌های شگفت‌انگیز	۹
۸۴	دستور پخت سری	۱۰

بخش چهارم: زندگی فرهنگی / ۹۱

۹۳	جرگه گوشه گیران	۱۱
۹۸	جست نیمه شب	۱۲
۱۰۷	اندیشه های یک حلزون	۱۳
۱۱۴	خواب عمیق	۱۴

بخش پنجم: عشق و راز / ۱۲۱

۱۲۳	زندگی مرموز	۱۵
۱۲۷	روابط عاشقانه حلزون	۱۶
۱۳۷	تنهامانده	۱۷
۱۴۰	فرزندان	۱۸

بخش ششم: قلمرو آشنا / ۱۴۷

۱۴۹	رهایی	۱۹
۱۵۴	حلزون زمستانی	۲۰
۱۵۹	باران بهاری	۲۱
۱۶۲	ستارگان شب	۲۲

۱۶۵	پس گفتار	
۱۷۳	پیوست ۱: تراریوم	
۱۷۵	پیوست ۲: دنیایی سبز در زمستان	
۱۸۳	منابع	
۱۸۹	نمایه	

## یادداشت مترجم

آیا تاکنون صدای غذا خوردن یک حلزون وحشی را شنیده‌اید؟ اگر نشنیده‌اید، هرچه زودتر صفحه [www.elisabethtovabailey.net](http://www.elisabethtovabailey.net) را باز کنید و در بالای گوشه سمت چپ به صدای هویج خوردن یک حلزون *Neohelix* با ۲۶۴۲ دندان گوش دهید. درست در زیر آن می‌توانید به صدای هویج خوردن الیزابت تووا بایلی با ۳۲ دندان گوش دهید.

از الیزابت تووا بایلی اطلاعات چندانی در دست نیست جز آنکه با یک سگ و یک گربه در ایالت مین در انتهای شمال شرقی آمریکا در مرز کانادا در خانه‌ای روستایی کنار جنگل زندگی می‌کند و به باغبانی و طبیعت علاقه‌مند است. ۳۴ ساله بود که در سفری به اروپا ابتلا به یک بیماری ویروسی ناشناخته که هرگز از آن بهبود نیافت، زمینگیرش کرد. در یکی از بدترین سال‌های بیماری‌اش با یک حلزون جنگلی در تراسیومی کنار تختش زندگی کرد که کمکش کرد زنده بماند و تأثیری ماندگار بر نگاهش به زندگی گذاشت. او که

شیفتهٔ آناتومی نرم‌تنانه، سازوکارهای دفاعی مخفیانه، تصمیم‌گیری زیرکانه، حرکت هیدرولیک و معاشقهٔ اسرارآمیز حلزون شده بود، به مشاهده‌گری دقیق و صبور تبدیل شد. صدای غذا خوردن یک حلزون وحشی سفر تماشایی بقا و انعطاف‌پذیری است و نشان می‌دهد که چگونه بخش کوچکی از دنیای طبیعت می‌تواند وجود انسانی خود ما را روشن کند.

بایلی در گفت‌وگویی دربارهٔ انگیزه‌اش از نوشتن کتاب می‌گوید «بعضی مشاهداتم دربارهٔ حلزونم را نوشتم و یکی از دوستانم چنان از آن خوشش آمد که پیشنهاد کرد تبدیل به یک مقاله‌اش کنم. به نظر می‌رسید که خوانندگان مقاله از آن خیلی لذت می‌برند. چند سال که گذشت با خودم فکر کردم شاید بتوان کتابی درباره‌اش نوشت، اما مطمئن نبودم که چیز بیشتری برای نوشتن وجود داشته باشد. شروع به خواندن منابع علمی دربارهٔ شکم‌پایان کردم، عاشقشان شدم، و فهمیدم که چیزهای خیلی بیشتری برای گفتن هست. یکی از دلایل نوشتن این کتاب آن بود که احساس می‌کردم به حلزون یک تشکر زندگی‌نامه‌ای بدهکارم و دلیل دیگرش آنکه احساس کردم این داستان می‌تواند به کسان دیگری که دوران سختی را در زندگی‌شان می‌گذرانند کمک کند.»

همنشینی با حلزون از یک جا به بعد از حالت انفعالی خارج شد و شکل مشاهدهٔ دقیق علمی به خود گرفت که در توصیف‌های کتاب آشکار است. بایلی می‌گوید «نخستین بار که تماشای حلزون را آغاز کردم صرفاً به این دلیل بود که آنجا حضور داشت و حرکت می‌کرد، اصلاً انتظار نداشتم که کار جالبی انجام دهد. وقتی فهمیدم حلزون نیز همچون من عاداتی دارد، به او علاقه‌مند شدم. او نیز همچون

من بیدار می‌شد و به خواب می‌رفت. مثل من برای شامش چیزی خوش مزه می‌خواست. معلوم شد که مثل من ماجراجویی‌های جالبی در مقیاس کوچک دارد. اینکه با هم زندگی می‌کردیم و در زندگی مان الگوهایی موازی داشتیم، نوعی حس خویشاوندی ایجاد کرد و کنجکاوی‌ام را برانگیخت.»

بدون مشاهده نه علم به وجود می‌آمد و نه ادبیات. الیزابت تووا بایلی درباره اهمیت شوق مشاهده می‌گوید «مشاهده قلب نویسندگی است. چه درباره جهان طبیعت باشد و چه درباره هیجانات انسان، آنچه می‌نویسد ناداستان باشد یا حتی داستان، هر متنی باید بر اساس مشاهده باشد، و مبتنی بر بررسی دقیق یک موقعیت یا موضوع از تمام زوایا.»

کتابی که در دست دارید تنها کتابی است که بایلی طی سال‌ها بر اساس خاطراتش از آن یک سال زندگی مشترک با حلزون و همچنین مطالعاتش درباره تاریخ طبیعی شکم‌بیان نوشته و در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده است. علت جذابیت کتاب دو روایت موازی از زندگی دو موجودی است که به ظاهر بیشترین تفاوت را با هم دارند، اما همان‌طور که مشاهدات دقیق و مطالعات نویسنده از متون بعضاً کهن نشان می‌دهد، به شباهت‌هایی غیرمنتظره ختم می‌شود. نتیجه کار آمیزه‌ای از ادبیات، تاریخ طبیعی و جنبه‌های انسانی پزشکی است که توانسته مخاطب گسترده‌ای در سطح بین‌المللی به دست آورد. این ماجرای واقعی میان‌گونه‌ای (حلزون-انسان) به زبان انگلیسی در امریکا، کانادا، انگلستان، استرالیا و نیوزیلند منتشر شده و به زبان‌های فرانسوی، آلمانی، ژاپنی، چینی، کره‌ای و اکنون فارسی نیز ترجمه شده است.

او درباره اینکه چگونه کتابی با دو قهرمان اصلی نوشت می‌گوید «می‌دانستم که تا حد ممکن درباره حلزون خواهم نوشت و هرگز نمی‌خواستم درباره خودم هم بنویسم. اما هنگامی که دو تا از دوستانم پیش نویس اولیه را خواندند، از واکنش‌هایشان شگفت‌زده شدم زیرا یکی توصیف بیشتری از حلزون می‌خواست و دیگری می‌خواست اطلاعات بیشتری درباره من در آن باشد. در آن زمان بود که فهمیدم دو قهرمان اصلی دارم. به نظر می‌رسید مشکلی وجود دارد و تا مدتی نگرانش بودم، اما کتاب که پیش رفت، به تدریج فهمیدم که به نوعی دارم نقش «واسطه» را برای حلزون بازی می‌کنم. اگرچه ابتدا من نقش اصلی بودم، اما از طریق تجربه من است که خواننده همان پیوندی که من با حلزون داشتم را تجربه می‌کند، و به این ترتیب شخصیت حلزون در کتاب بزرگ‌تر می‌شود و حضور پررنگ‌تری پیدا می‌کند.»

این کتاب در سال ۲۰۱۰ برنده جایزه ملی کتاب بیرون از خانه<sup>۱</sup> و در ۲۰۱۱ برنده مدال جان باروز<sup>۲</sup> شد که سالانه به بهترین اثر در زمینه تاریخ طبیعی تعلق می‌گیرد. در سال ۲۰۱۲ جایزه بین‌المللی دوسالانه ویلیام سارویان در نویسندگی<sup>۳</sup> در بخش آثار ناداستانی از سوی کتابخانه دانشگاه استانفورد به آن اعطا شد. از این گذشته در فهرست بسیاری از نهادها از کتاب‌هایی که مطالعه آنها توصیه شده نیز قرار گرفت و در زمانی کوتاه پرفروش شد. بایلی درباره اینکه

### 1. National Outdoor Book Award (NOBA)

۲. John Burroughs Medal، از ۱۹۲۶ سالانه به یک کتاب در زمینه تاریخ طبیعی تعلق می‌گیرد. از میان آثار برنده تاکنون تنها یک کتاب به فارسی ترجمه شده است: دریای پیرامون ما (۱۹۵۳) نوشته ریچل کارسون با ترجمه ناصر جدیدی (فرانکلین، ۱۳۴۱).

### 3. William Saroyan International Prize for Writing



چرا کتابی در مورد رابطه میان گونه‌ای یک انسان و یک حلزون می‌تواند برای خواننده عمومی جالب باشد، می‌گوید: «به عقیده من این کتاب درباره تجربه همگانی زنده بودن است. تمام آدم‌ها تنهایی را در سطحی تجربه می‌کنند، حتی درون یک خانواده، یک ازدواج، یک رابطه، یا یک دوستی. با تمام اینها ممکن است آدم گاه احساس تنهایی کند. از سوی دیگر همه دچار آنفلوآنزا شده‌اند و می‌دانند که از پافتادن، دست کم برای مدتی کوتاه، چه حسی دارد. اگرچه فایده‌های رابطه میان گونه‌ای با حیوانات خانگی معمول بر کسی پوشیده نیست، مردم همیشه وسوسه می‌شوند درباره رابطه انسان با موجودی که آن را خوب نمی‌شناسند بخوانند.»

